



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

نقش فرهنگ در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی)

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروز لک

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر نجف لکزایی

نگارش:

اعظم نجفی مقدم

اسفند 1388

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

ساحت مقدس عرضه کننده فرسنگ ناب محمدی

وبه ارمغان آورنده امنیت مطلق جهانی

حضرت صاحب العصر والزمان (عج) (روحی و اولادی لشراب مقدمه الفداء)

و تقدیم به:

روح پاک مطهره کو حکم که در ایام تدوین این پایان نامه پس از تحمل مشقات

بیماری آغوش مارا ترک گفت و به دیار ابدی شتافت.

تشکر و تقدیر

منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قرب است و به شکر اندرش مزید نعمت
حد و پاس می گویم پروردگاری را که همراه دلوز و بهیشتی سخات زندگی ام بوده و بمواره شرمنده الطاف و عنایات بیکرانش بوده ام.
و به پاس فرمایش «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق» بر خود لازم می دانم؛
از راهبانی با مشوره های دلوزانه اساتید معظم، جناب آقای دکتر غلام ضاهر و زکک و جناب آقای دکتر نجف لک زالی.
از زحمات و مساعدت های بزرگوارانه پدر و مادر عزیزم
از گذشته و حمایت های بی دریغ همسر ارجمندم و صبر کودکانه مطهره عزیز در ایام تحصیلی (هر چند اکنون در میان مانیت)
و از همه کسانی که به نحوی مراد تدوین این پایان نامه یاری نموده اند کمال تشکر را بنمایم.
از خداوند متعال سعادت، عزت و آبروی دنیا و آخرت را برای این عزیزان خواستارم.

چکیده

فرهنگ و امنیت دو واژه هنجاری و ارزشمندی هستند که پا به پای زندگی بشری حضور داشته و با تحولات آن متحول شده‌اند. رساله حاضر با تبیین جایگاه این دو مفهوم در صدد است تا به رابطه آنها در نظام دینی جمهوری اسلامی ایران بپردازد و بدین سؤال پاسخ دهد که؛ «نقش فرهنگ در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست» و در ادامه بحث با نگاهی به عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مهم‌ترین نهاد فرهنگی کشور بدین مسأله بپردازد که این شورا در این عرصه تا چه حد توانسته مؤثر واقع شود. طبق فرضیه ما فرهنگ در نظام دینی جمهوری اسلامی ایران به عنوان زیر بنا، نقش روح را در مقابل جسم و پی‌کره جامعه بازی می‌کند. لذا در تأمین امنیت تمامی ارکان و قوای جامعه دخیل بوده و انسجام بخش سایر قواست. نهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز بایستی با عملکرد مناسب در راستای غنا و استحکام فرهنگ کشور (نهادینه کردن فرهنگ متعالی اسلام) گامهای اساسی تری بردارد تا پیامد این امر امنیت جامعه در عرصه‌های مختلف تأمین گردد.

برای بررسی پیرامون فرضیه، چهار فصل در نظر گرفته شده است. فصل اول حاوی چارچوب نظری است که در آن از نظریه جنود عقل و جهل امام خمینی (ره) بهره گرفته شده است. فصل دوم برای تبیین مفاهیم فرهنگ و امنیت به طرح نظریات و دیدگاههای پیرامون آنها می‌پردازد. فصل سوم نیز به جایگاه این دو واژه در تفکر اسلامی و رابطه آنها در نظام جمهوری اسلامی ایران و چگونگی تأثیرگذاری فرهنگ بر امنیت ملی این نظام پرداخته و نهایتاً فصل چهارم عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی را بررسی خواهد نمود.

فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| 1 | مقدمه: طرح تفصیلی تحقیق |
| 2 | بیان مسأله |
| 2 | علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن |
| 3 | سابقه پژوهش |
| 3 | سؤال اصلی |
| 3 | فرضیه‌ها |
| 4 | مفاهیم |
| 4 | متغیرها |
| 4 | سؤالات فرعی |
| 4 | پیش فرض‌ها |
| 5 | اهداف پژوهش |
| 5 | روش پژوهش |
| 5 | سازماندهی: |
| 6 | فصل اول: چارچوب نظری |
| 7 | مقدمه |
| 8 | الف) نظریه جنود عقل و جهل امام خمینی؛ |
| 15 | استقرار امنیت یا ناامنی در مملکت وجود |
| 17 | - حاکم شدن امنیت و آرامش خاطر در پی حاکمیت جنود عقل و رحمان؛ |
| 22 | - حاکمیت ناامنی و تشویش در پی حاکمیت جنود جهل و شیطان. |

(ب)

24 (ب) ارتباط نظریه امام با موضوع رساله؛

27 مفاهیم

28 جمع بندی

Error! Bookmark not defined..... فصل دوم: فرهنگ و امنیت؛ دیدگاهها و نظریهها

Error! Bookmark not defined..... مقدمه

Error! Bookmark not defined..... گفتار اول: چیستی امنیت

Error! Bookmark not defined..... الف) تهدید؛

Error! Bookmark not defined..... ب) امنیت ملی؛

Error! Bookmark not defined..... گفتار دوم: چیستی فرهنگ

Error! Bookmark not defined..... خصایص و ویژگیهای فرهنگ

Error! Bookmark not defined..... تقسیم بندی فرهنگ

Error! Bookmark not defined..... جمع بندی

Error! Bookmark not defined..... فصل سوم: نقش فرهنگ در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

Error! Bookmark not defined..... مقدمه

Error! Bookmark not defined..... گفتار اول: جایگاه فرهنگ و امنیت و رابطه آنها در نظام جمهوری اسلامی ایران

Error! Bookmark not defined..... الف) جایگاه امنیت در تفکر اسلام

Error! Bookmark not defined..... ب) جایگاه فرهنگ در تفکر اسلام

Error! Bookmark not defined..... ج) رابطه فرهنگ و امنیت در نظام ج.ا.ا.

Error! Bookmark not defined..... گفتار دوم: چگونگی نقش فرهنگ در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

Error! Bookmark not defined..... الف) امنیت سیاسی؛

Error! Bookmark not defined..... ب) امنیت نظامی و مرزی؛

Error! Bookmark not defined..... ج) امنیت اقتصادی؛

Error! Bookmark not defined..... د) امنیت اجتماعی؛

Error! Bookmark not defined..... ه) امنیت فرهنگی و معنوی؛

| | |
|--|---|
| Error! Bookmark not defined..... | و) امنیت حقوقی یا قضایی؛ |
| Error! Bookmark not defined..... | ز) امنیت علمی |
| Error! Bookmark not defined..... | ی) امنیت زیست محیطی |
| Error! Bookmark not defined..... | جمع بندی |
| فصل چهارم: نقش و عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران | |
| Error! Bookmark not defined..... | مقدمه: |
| Error! Bookmark not defined..... | تاریخچه و جایگاه شورا؛ |
| Error! Bookmark not defined..... | اهداف شورا؛ |
| Error! Bookmark not defined..... | وظایف شورا؛ |
| Error! Bookmark not defined..... | نقد و بررسی عملکرد شورا؛ |
| Error! Bookmark not defined..... | - مصوبات شورا: از تصویب تا اجرا |
| Error! Bookmark not defined..... | - میزان تحقق اهداف شورا |
| Error! Bookmark not defined..... | الف) فرهنگ عمومی؛ |
| Error! Bookmark not defined..... | ب) مسأله زنان؛ |
| Error! Bookmark not defined..... | ج) مسأله آزادی؛ |
| Error! Bookmark not defined..... | د) مسأله هنر؛ |
| Error! Bookmark not defined..... | ه) مبحث دانشگاه؛ |
| Error! Bookmark not defined..... | جمع بندی |
| Error! Bookmark not defined..... | نتیجه گیری |
| Error! Bookmark not defined..... | فهرست منابع |
| Error! Bookmark not defined..... | الف) کتب؛ |
| Error! Bookmark not defined..... | ب) پایان نامه ها و فصلنامه ها و مقالات؛ |

مقدمه:

طرح تفصیلی تحقیق

بیان مسأله

از جمله مسائل مهم و کلیدی که از دی‌ریاز مورد توجه افراد و در سطحی کلان مورد توجه کشورها بوده و هست، مبحث امنیت است. اگرچه این مقوله در گذشته تنها بعد نظامی را در برمی‌گرفت اما امروزه ابعاد فراگیری دارد. اقتصاد، سیاست، علم، قضاوت و مهم‌تر از همه فرهنگ، ابعاد امنیتی کشورها محسوب می‌شوند. در میان اینها آنچه که جنبه نرم افزاری و پنهان دارد، همان فرهنگ است. بر این اساس تدابیر و حملات دشمن نیز غیر فیزیکی و نرم افزاری گشته است.

فرهنگ نیز همچون دی‌گر حوزه‌های اجتماع رابطه‌ای دوسوی به با امنیت دارد. یعنی علاوه بر اینکه می‌تواند با ابزارهای چون تهاجم فرهنگی، تحمیل فرهنگی و منبع تهدید باشد، از سوی دی‌گر اگر بر پایه‌های مستحکم و غنی بنا شود، با تحت پوشش قرار دادن حوزه‌های چون اقتصاد، سیاست، علم، قضاوت و می‌تواند ایمن‌کننده جامعه از تهدیدات و آسیب‌ها باشد. لذا در این رساله در صدد برآمدیم با تبیین دو مقوله فرهنگ و امنیت، به رابطه این دو در نظام جمهوری اسلامی و چگونگی نقش فرهنگ در تأمین امنیت ملی مان بپردازیم. از آنجا که مقوله فرهنگ امری اکتسابی است، یک نهاد فرهنگی می‌تواند در راستای فرهنگسازي و اصلاح فرهنگ اجتماع گام بردارد. این نهاد در کشور ما شورای عالی انقلاب فرهنگی است. در فصل آخر این رساله به جایگاه شورا و نقش آن در امور فرهنگی و امنیت سازی و میزان عملکرد مثبت آن در کشور پرداخته شده است.

علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

مهمترین علت در انتخاب این موضوع، علاقه فردی به مباحث فرهنگی بوده که با مشورت یکی از اساتید محترم، جلوه امنیتی یافت. اما در کنار این عامل می‌توان به نیاز فرهنگی کشور نیز اشاره داشت که در سخنان مقام معظم رهبری و مباحث ایشان در

خصوص ناتوی فرهنگی شاهد آن هستیم.

در خصوص اهمیت و فایده این موضوع باید گفت که فرهنگ، عامل هویت بخش و منسجم کننده یک نظام است. اگر اتحاد و هویت از جامعه‌ای رخت بریندد، اهداف استعماری ابرقدرتها محقق خواهد شد. لذا لازمه انسجام و بقای هر تمدن و جامعه‌ای، فرهنگ غنی و هویت ارزشمند آن است و اهمیت و فایده مباحث فرهنگی امری بدیهی است.

سابقه پژوهش

در خصوص فرهنگ ایرانی و اسلامی، کتب و مقالات بسیاری است، بویژه با تأکید مقام معظم رهبری بر این مسأله، گام‌های بسیاری در این راستا برداشته شده است و به عنوان مثال کتاب جریانشناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران به وقایع فرهنگی که در طول سالهای 80-57 در ایران رخ داده می‌پردازد و به لحاظ محتوا غنی است و جلوه تاریخی دارد و با کتب زمینی فرهنگ شناسی نوشته محمود روح الامینی، فرهنگ و جامعه نوشته بهروز گرانیبایه، در قلمرو فرهنگ نوشته جلال ستاری و فرهنگ پی‌رو، فرهنگ پی‌شرو نوشته علامه محمدتقی جعفری از جمله کتبی هستند که مباحث فرهنگی را در حوزه‌ای خاص مطرح کرده‌اند. اما به مسأله فرهنگ ایران اسلامی چندان پرداخته نشده است و لذا شخصاً، تاکنون در موضوع نقش و اهمیت فرهنگ در تأمین امنیت ج.ا.ا کتابی مشاهده نکرده‌ام.

سؤال اصلی

فرهنگ در امنیت ملی ج.ا.ا چه جایگاه و نقشی دارد و عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مهم‌ترین نهاد فرهنگی نظام، شایسته است چگونه باشد؟

فرضیه‌ها

فرهنگ در نظام دینی ج.ا.ا به عنوان زیربنا و به تعبیر دی‌گر نقش روح در مقابل جسم جامعه را داراست، لذا در تأمین امنیت تمامی ارکان و قوای جامعه دخیل بوده و منسجم کننده آنهاست.

نهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی با گسترش عملکرد خود، بایستی در راستای غنا و

استحکام فرهنگ کشور (نهادینه کردن فرهنگ متعالی اسلام) و نه‌ای‌تاً تأمین امنیت جامعه گام بردارد.

مفاهیم

فرهنگ، امنیت، شورای عالی انقلاب فرهنگی،

متغیرها

مستقل: فرهنگ؛

وابسته: امنیت

سؤالات فرعی

1. چیستی فرهنگ و امنیت
2. رابطه فرهنگ و امنیت در نظام ج.ا.ا چگونه قابل تبیین است.
3. نهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی چه جایگاهی را در این نظام دارد و تا چه حد توانسته در راستای فرهنگسازی گام‌های اساسی بردارد.

پیش فرض‌ها

1. تمام تلاش دولت‌ها با هر اعتقاد و مکتبی همواره در راستای تأمین امنیت در حوزه‌های مختلف جامعه بوده است.
2. هر کشوری بر حسب تفکر و مکتبی که دارد حوزه خاصی را در مباحث امنیتی پررنگ‌تر می‌کند. به نظر می‌رسد ج.ا.ا باید نقش فرهنگ را در امنیت ملی خویشتن پررنگ‌تر نماید.
3. امنیت ملی هر کشوری با حوزه‌های چون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... رابطه دوسویه دارد؛ هم تهدید آفرین و هم امنیت ساز.
4. تمامی حوزه‌های جامعه در پرتو فرهنگی غنی می‌تواند به توسعه و پیشرفت دست یابد.

5. جامعه ما متشکل از اقوام و هویت‌های مختلف است و یک نهاد فرهنگی می‌تواند با توسعه فرهنگ یگانه میان مردم به اتحاد میان آنها کمک کند. این فرهنگ یگانه همان اسلام است که وحدت کلمه را میان اقوام مختلف حاکم می‌کند.

اهداف پژوهش

1. تبیین میزان اهمیت فرهنگ در امنیت ملی نظام ج.ا.ا. و انسجام بخشی سایر

حوزه‌ها

2. بهره‌مندی حوزه پژوهشی کشور از این تحقیق در مسائل فرهنگی

روش پژوهش

توصیفی - تحلیلی

گردآوری کتابخانه‌ای

سازماندهی:

4 فصل:

فصل اول، چارچوب نظری که در برگیرنده نظریه جنود عقل و جهل امام خمینی (ره) است.

فصل دوم، مفهوم شناسی پیرامون فرهنگ و امنیت و دوازه امنیت ملی و تهدید

فصل سوم، تبیین دو مفهوم فرهنگ و امنیت و رابطه آنها در نظام ج.ا.ا. و چگونگی

نقش فرهنگ در امنیت‌سازی در این نظام

فصل چهارم، نقش و عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی.

فصل اول:

چارچوب نظری

مقدمه

در این فصل برآنیم تا به چارچوب نظری مطلوب و مرتبط با رساله دست یابیم. لذا در آغاز با استفاده از آموزه‌های اسلامی در خصوص حقیقت وجودی انسان، به نظریه جنود عقل و جهل امام خمینی «قدس سره شریف» می‌پردازیم سپس با بیان نحوه ارتباط این نظریه با مباحث رساله، چارچوب منظور ارائه می‌گردد.

الف) نظریه جنود عقل و جهل امام خمینی؛

مفاهیم فرهنگ و امنیت که در این رساله نقش کلیدی دارند، مفاهیمی ارزشمند، هنجاری و کهن می‌باشند که از گذشته تاکنون در جوامع ابتدایی تا جوامع پیچیده کنونی، اهمیت آنها محسوس بوده و امروز به صورت مطالعات آکادمیک، در علوم انسانی که عمدتاً بر پایه عقل بشری است جای خود را باز کرده‌اند. در حالیکه با استفاده از آموزه‌های دینی و الهی نیز می‌توان دیدگاهی متعالی نسبت به این دو مفهوم و جایگاه آنها در جوامع بشری عرضه داشت. در این رساله درصددیم تا با استفاده از بیانات ارزشمند امام خمینی که برگرفته از همین آموزه‌هاست نمای کلی رساله را ترسیم کنیم. در این نما میان وجود آدمی و جوامع بشری تشابهی برقرار می‌گردد که نقش روح را در وجود آدمی با فرهنگ جوامع بشری یکی می‌داند. برای فهم بهتر نظریه امام و چگونگی این ارتباط لازم است مباحثی در خصوص انسان و ابعاد وجودی وی از منظر اسلام داشته باشیم. تمامی مکاتب بشری و الهی بر این امر اتفاق نظر دارند که انسان، اشرف مخلوقات عالم است و در عرصه گیتی جایگاهی ویژه دارد، اما دیدگاه الهی و بشری در خصوص علت این امر متفاوت است. از منظر مکاتب بشری انسان اشرف مخلوقات عالم است بدین دلیل که با نیروی تعقل خویش قدرت تسلط بر طبیعت و جهان مادی را داراست.¹ ما معتقدیم سیمای ترسیمی مکاتب بشری از انسان ناقص و از روی معرفت ناقص است و از آنجا که تنها بر عقل جزئی بشر تکیه دارد، آینده‌ای مبهم از او به تصویر کشیده و به انسان‌شناسی کامل دست نیافته است. اما مکتب الهی ما، اسلام، نگاهی همه جانبه و فراگیر به آدمی دارد و با نگاه و انسان‌شناسی غربی کاملاً متفاوت است. اسلام نیز انسان را دارای جایگاه برین در میان سایر موجودات می‌داند؛

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»².

اما با این تفاوت که برای وی وجودی دو بعدی قائل است و با احاطه کامل بر ابعاد مادی و معنوی، رشد و تکامل بشر در بعد معنوی، رسیدن به مقام خلیفه الهی و شرافت و کرامت ذاتی او را علت برتری انسان بر سایر موجودات می‌شمرد. در پی چنین دیدگاهی، خلقت آدمی را هدفمند می‌داند و برای وی حیات جاودانه

1 — در پی این فهم از بشر طی قرون گذشته، انسان محوری (humanism) در غرب رواج یافته و پیشرفت مادی مقصد برشمرده شد (capitalism).

2 - اسراء، 70؛ و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه، آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.

معنوی را پس از مرگ جسمانی، به تصویر می کشد.

از نظر قرآن کریم، انسان دارای سرمایه‌های درونی است، یعنی همچون معادن و اقیانوسها که در و مروارید و گوهر در درون خویش می‌پروراند، انسان نیز دارای سرمایه‌های عظیم درونی است که حتی در حالتی که چهره‌ای آرام دارد می‌تواند در ژرفای وجودش سرگرم ساختن گوهر باشد؛³

چو دریا به سرمایه خویش باش هم از بود خود، سود خود بر تراش.

امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید؛

«أَتَزَعَمُ أَنَّكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْكَبِيرُ»⁴

آیا گمان می‌کنی که تو جرمی کوچک هستی؟ در حالی که جهان بزرگی در تو پنهان و نهفته می‌باشد.

چنین موجود ارزشمند و هدفمندی مطمئناً از وجود ظریف و عمیقی از حیث تأمل برخوردار است و معارف قرآنی، روایی و آثار علما و عرفای بزرگ اسلام، سرشار از حکمتها و بررسی‌ها پیرامون این موجود ناشناخته می‌باشد.

گفتیم وجود انسان در مکتب اسلام، دارای دو بعد است؛ بعد مادی که قرآن از آن تعبیر به حمأ مسنون⁵ می‌کند، در واقع همان شاکله ظاهری و جسم آدمی است که از آغاز انعقاد نطفه به تغذیه و رشد و نمو می‌پردازد، اما حس و حرکت و ادراک ندارد. پس از کسب این قوا گفته می‌شود که روح در جسم دمیده شده است، قرآن کریم از این مسأله تعبیر به نفخ روح می‌نماید؛

«فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»⁶

«پس آنگاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم، بر او به سجده در افتید.»

بنابراین بشر ترکیبی از روح و جسم است؛ جسم مادی شامل قوای مختلف و حامل عنصری است به نام روح و روح‌گوهری است غیر مادی. در واقع ارتباط روح با جسم، مایه حیات و نور جسم است.

3 - عبدالله جودی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج 14، (صورت و سیرت انسان در قرآن)، قم، اسراء، 1382، ص 98.

4 - به نقل از روح ا... خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1377، ص 212.

5 - خاک و لجن.

6 - ص، 72.

آیت .. جوادی آملی با استفاده از آموزه‌های تفسیری علامه طباطبائی، در خصوص ابعاد انسانی معتقدند که تکوین و پیدایش انسان دربردارنده دو دسته از عناصر است؛ نخست عناصر فطری که دربرگیرنده ویژگیهای الهی و معنوی انسان است و اوصاف مثبت برای همین بخش از انسان قابل تطبیق می‌باشد. دوم عناصر طبیعی که برخاسته از طبیعت انسان و دربردارنده غرایز و ویژگیهای مادی وی است.⁷ استاد مطهری نیز از دو «خود» در بیان ابعاد انسانی نام می‌برد؛ خود و من کمال طلب و علوی، خود و من حیوانی و سفلی.⁸

اما این حالت ترکیبی انسان باعث شده که همواره میان ایندو در نوسان باشد و به هر کدام که گرایش یابد، بدان سمت کشیده می‌شود؛ یعنی تغذیه و پرورش بعد معنوی و روحانی و گرایش بدان باعث اتصال جسم به عالم بالاست و انسان را به تعالی و کمال و درجه‌ای بالاتر از ملائک می‌رساند. در نقطه مقابل، افراط در گرایشات مادی و عدم توجه به امور معنوی، موجب سقوط در درهٔ هلاکت خواهد بود و جنبهٔ حیوانیت را تقویت می‌کند.

رسیدن به این نقطه جز مشقت و تهدید، ارمغانی نخواهد داشت. چرا که تنها زندگی طبیعی و مادی که سراسر مشقت و آسیب است، قابل درک می‌شود. بنابراین یک سر رشته وجود آدمی به خاک منتهی می‌شود و سوی دیگر به عرش الهی، از همین رشته است که می‌توان به عرش پروردگار صعود کرد، یا انحطاط به عالم مادی داشت؛

آدمی زاده طرفهٔ معجونی است کز فرشته سرشته و حیوان

گر رود سوی این شود کم از این و رکند میل آن شود به از آن

لذا در نمودار ابعاد انسانی، به هر طرف گرایش آدمی افزون گردد به همان میزان در معرض آرامش و طمأنینه و یا مشقت و تشویش خاطر قرار می‌گیرد. پی آمد این نگاه است که مباحث تربیتی و فرهنگسازی در اجتماع پر رنگ می‌شود. تربیت ناظر به پرورش ابعاد انسانی است و تفاوت تربیتها باعث تفاوت انسانها گشته و علی گونه‌ها و معاویه صفتها را به جامعه بشری عرضه می‌دارد.

انسان اگر چه آمیزه‌ای از قوای مختلف و ابعاد مادی و معنوی است، اما اصالت وجودش با روح و هدف خلقتش، پرورش بعد معنوی است و در این راه بایستی از جسم و قوای بدنی به عنوان ابزار کار روح در زندگی

7 - نجف لک‌زایی، *درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی*، قم؛ بوستان کتاب، 1386، ص 119_120.

8 - همان، ص 122.

دنیوی بهره جوید. قران کریم در مورد انسان تعبیر «حیّ متألّه»⁹ را دارد. مفهوم «حی» اشاره به روح آدمی نموده که زنده همیشه است و قوام و شخصیت و ارزش آدمی، بدان وابسته است و لذا پرورش و تعالی روح با بهره‌وری از جسم و تحت راهنمایی‌های وحی و انبیاء و اولیاء عظام، موجب نیل به سعادت، کمال و مقصود حقیقی برای انسان خواهد بود.¹⁰ سعادت واقعی برای انسان این است که در زندگی دنیوی به ایمان و آرامش حقیقی دست یابد و در زندگی اخروی به مقام امن الهی برسد.

امام خمینی الگوی بارز پرورش یافته مکتب اسلام در جهان معاصر، با الهام از این آموزه‌ها در خصوص وجود انسان، بیانات شیرین و ارزشمندی در دو کتاب شرح چهل حدیث و شرح جنود عقل و جهل دارند که در این رساله از نظریه ایشان به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. در حدیث اول کتاب شرح چهل حدیث در باب جهاد اکبر آمده: سکونی از حضرت صادق(ع) حدیث کند که فرمود: همانا پیغمبر(ص) فرستاد لشکری را. پس چون برگشتند فرمود: «آفرین باد به گروهی که به جای آوردند جهاد کوچک را و به جای ماند بر آنها جهاد بزرگ». گفته شد ای پیغمبر خدا چیست جهاد بزرگ؟ فرمود: «جهاد نفس است»¹¹

امام خمینی(ره) در شرح این حدیث وجود انسان را به مملکتی تشبیه کرده‌اند که دارای دو عالم است:

« بدان که انسان اعجوبه‌ای است دارای دو نشئه و دو عالم؛ نشئه ظاهره ملکیه دنیویه که آن بدن اوست و نشئه باطنه ملکوتیه که از عالم دیگر است و نفس او که از عالم غیب و ملکوت است دارای مقامات و درجاتی است..»¹²

این بیان امام خمینی در واقع اشاره به همان ابعاد مادی و معنوی یا جسم و روح بشر دارد. ایشان در بیان دیگری چنین فرموده‌اند:

« بدان که مقام اول نفس و منزل آن منزل «ملک» و ظاهر دنیای آن است که اشعه و انوار غیبیه آن در این بدن محسوس و بنیه ظاهره تابیده و او را زندگانی عرضی بخشیده

9 - عبدالله جوادی آملی، پیشین، ج 15، ص 16.

10 - در میان فلاسفه یونانی نیز، افلاطون در خصوص روح و اصالت آن معتقد است: «روح و نفس انسان که ریشه غیر مادی دارد و از عالم مجردات به محسوسات آمده است، وظایفی بر عهده دارد که در صورت تحقق آنها، آدمی به کمال وجودی خویش دست می‌یابد.» وی بر آن است که کمال نفس انسان در میل به سعادت است. لذا افلاطون نیز اصالت وجود آدمی را با روح می‌داند.

11 - محمدبن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج 5، ص 15، حدیث 3.

12 - روح ا. خمینی، شرح چهل حدیث، حدیث اول، تهران؛ موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1371، ص 5.

و تجیش جیوش در این بدن کرده و میدان جنگ آن همین بدن است و قوای ظاهره آن، لشکر آن است که در اقالیم سبعة ملکیه، یعنی گوش و چشم و زبان و شکم و فرج و دست و پا بسط پیدا کرده...»¹³

امام خمینی نه تنها مملکت وجود را ترکیبی از ظاهر و باطن می‌داند بلکه اصالت را نیز از آن می‌شمرد از منظر ایشان ظاهر انسان همان بدن و جسم محسوس است که شامل قوا و نیروهای مختلف می‌باشد (قوای ظاهره). وجود بشر به واسطه این قوا به تکاپو و حرکت می‌افتد. اما باطن آدمی همان روح است که به فرموده ایشان «در این بدن محسوس و بنیه ظاهره تابیده و او را در زندگانی عرضی بخشیده است.»

حضرت امام «ره» برای نفس آدمی مقامات و درجاتی برمی‌شمرد و معتقدند که هر یک از این مقامات دارای دو لشکر متضادند و از آنها به جنود رحمانی - عقلانی و شیطانی - جهلانی تعبیر می‌نمایند؛

«... و نفس او که از عالم غیب و ملکوت است، دارای مقامات و درجاتی است .. و از برای هر یک از مقامات و درجات آن، جنودی است رحمانی و عقلانی که آنرا جذب به ملکوت اعلی و دعوت به سعادت می‌کند، و جنودی است شیطانی و جهلانی که آنرا جذب به ملکوت سفلی و دعوت به شقاوت می‌کند و همیشه بین این دو لشکر جدال و نزاع است؛ و انسان میدان جنگ این دو طایفه است...»¹⁴

در واقع مملکت وجود انسان همواره در معرض تهدیدات و آسیبها و عرصه درگیری دو گروه نامبرده می‌باشد؛ گروه جهل و شیطان همواره در حال تهدید آفرینی و دعوت به شقاوت است که قرآن کریم از آن تعبیر به نفس اماره (داعی به رذایل) می‌کند و گروه دیگر همان نفس لوامه است که ناهی از رذایل و داعی به فضایل است و در پی سعادت و امنیت می‌باشد.

کتاب شرح جنود عقل و جهل امام «ره» که در باب حدیثی از امام صادق (ع) مبنی بر عقل و جهل¹⁵ نگاشته شده به هفتاد و پنج مورد از جنود عقل و هفتاد و پنج مورد از جنود جهل اشاره دارد. جنود عقل و شرع در حدیث مربوطه در واقع شامل نکات سازنده و تربیتی در سه ساحت گفتاری، پنداری و رفتاری است و جنود جهل و شیطان دربرگیرنده رذایل در این سه عرصه می‌باشد. توجه انسان به این دو گروه و اطاعت

13 - همان.

14 - همان.

15 - محمد بن یعقوب کلینی. اصول کافی، ج 1، ص 15، کتاب العقل و الجهل، باب 1، ح 14.

از جنود عقل و دوری از جنود جهل، باعث پرورش و تکامل روح و تربیت نفس است. در سطح کلان جامعه این تربیت و سازندگی بر عهده فرهنگ است که اگر بر پایه جنود عقل و شرع (دین) بنا شود، جامعه‌ای سالم و ایمن به ارمغان خواهد آورد. جدول زیر به مواردی از این دو دسته اشاره دارد:

| جنود عقل و رحمان | جنود جهل و شیطان |
|------------------|------------------|
| راستگویی | دروغگویی |
| امیدواری | ناامیدی |
| عدل | جور |
| شکر | کفران |
| توکل | حرص |
| رحمت | غضب |
| علم | جهل |
| تواضع | تکبر |
| استسلام | استکبار |

با کمی دقت در این عناصر متوجه این مساله می‌شویم که هر کدام از این مولفه‌ها بر حوزه‌ای از جسم و یا روان آدمی مؤثر است و امنیت و سلامت فرد را در آن حوزه تضمین کرده یا تهدید می‌کند. به عنوان مثال «توکل» بر روان آدمی مؤثر است و آرامش خاطر را به ارمغان می‌آورد، در حالیکه نقطه مقابل آن «حرص» باعث تشویش خاطر، سردرگمی و ناامنی روانی خواهد بود.

از نقطه نظر امام خمینی «ره» فطرت انسانها بر دو قسم است؛ اصلیه و فرعیه. در فطرت اصلیه انسان عشق به کمال مطلق دارد، اما در فطرت فرعیه، بشر متنفر از عیوب و نقائص می‌باشد. جنود عقل و رحمان در زمره فطرت اصلیه جای می‌گیرد و جزء خمیر مایه وجود انسان است. تمام ابناء بشر در عمق وجودشان طالب فطرت اصلیه‌اند هر چند از آن دور شده باشند؛

باز جوید روزگار وصل خویش^{۱۶}

هر کسی کو باز ماند از اصل خویش

اما جنود جهل و شیطان که جزء حجابهای فطرتند، در گروه فطرت فرعیه قرار می‌گیرند. حضرت امام صادق(ع) در آغاز این حدیث خطاب به سماعه بن مهران، رمز هدایت را شناخت این جنود دانسته‌اند؛

« إَعْرِفُوا الْعَقْلَ وَ جُنْدَهُ وَ الْجَهْلَ وَ جُنْدَهُ تَهْتَدُوا »¹⁷

برای هدایت مملکت وجود به سر منزل معرفت است. و استكمال و تنزیه و تصفیه نفوس باید عقل و جهل و جنود آنها را شناخت. امام رضا(ع) در اهمیت این مسأله، عقل و جهل را به دوست و دشمن انسان تشبیه کرده‌اند؛

« صَدِيقُ كُلِّ إِمْرَةٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ »؛

صادقترین دوست انسان عقل او و دشمنش جهل اوست.¹⁸

اینجاست که اهمیت و ضرورت کسب معرفت و شناخت برای انسان روشن می‌شود. مکتب اسلام نیز در این زمینه تأکیدات بسیار نموده، چنانکه آگاهی‌های انسان را در دو حیطة درون و برون دانسته و بر خود آگاهی و جهان آگاهی تأکید نموده است. امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید؛

« خدای رحمت کند آنکه را که بداند از کجا آمده، در کجاست و به کجا می‌رود. »¹⁹

پی‌آمد این نگاه، اسلام «در خودمانی» را مانع رشد و کمال انسان تلقی نموده و بر آن است که باید خود را درنوردیده و در وادی ماورای طبیعت گام نهاد و انسان را از خاک به افلاک برد. محصول چنین دیدگاه و تربیتی امیرمؤمنان علی(ع) است.

بنابراین برای تعالی و پرورش روح که زمینه‌ساز هدایت است بایستی جنود عقل و رحمان را به کار گرفت و از جنود جهل و شیطان دوری کرد تا در نتیجه این امر نور حق در وجود آدمی متجلی شود. چرا که به بیان امام خمینی(ره) نور حق در عقل انسان متجلی شده و بشر به واسطه عقل می‌تواند به نور الهی دست یابد؛

« سرچشمهٔ جمیع کمالات و سرلوحهٔ همه مقامات و سرمنشأ تمام انوار معنویه در عالم ملک و ملکوت و مبدأ جمله اضواء منیره در حضرت جبروت و لاهوت، نور مقدس حق - جلّ جلاله - است و از برای موجودی از موجودات، نور و ضیاء و بهایی نیست

17 - روح ... خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 57.

18 - علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 1، ح 11، ص 87.

19 - مرتضی مطهری، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، قم؛ صدرا، ص 5.

مگر آنکه ظلّ نور ازل و پرتو جمال جمیل اول در آن جلوه گر شده...²⁰؛ اللّٰه نور
السّمٰوٰتِ و الارض.»²¹

استقرار امنیت یا ناامنی در مملکت وجود

در پاسخ به این سؤال که چگونه یکی از این دو گروه بر گروه دیگری غلبه می‌یابد و نتیجه آن چه خواهد شد بایستی به طرح یک مقدمه و سپس نتیجه‌گیری بپردازیم. با توجه به ابعاد مادی و معنوی مملکت وجود، اگر انسان به پرورش بعد معنوی پردازد و جسم و دنیا را در جهت بندگی خدا و حیات جاودانه اخروی به کار گیرد، به عالم بالا متصل می‌شود و ایمان را بر وجود خود حاکم می‌کند. اما اگر با پرورش بعد مادی و جنبه حیوانی، معنویت را در خود بمیراند، به مقام پست‌تر از حیوان دست خواهد یافت و وجودش ملامت از انگیزه‌های مادی که فانی و دنیوی است، خواهد شد و لذا در آخرت جایگاهی نخواهد داشت. بیان امام خمینی نیز در خصوص غلبه یک گروه بر گروه دیگر، بدین مطلب اشاره دارد؛

«.. و انسان میدان جنگ این دو طایفه است؛ اگر جنود رحمانی غالب شد، انسان از اهل سعادت و رحمت است و اگر جنود شیطانی و لشکر جهل غالب آمد انسان از اهل شقاوت و غضب است و در زمره شیاطین و کفار و محرومین محشور است.»²²

غلبه جنود رحمانی، نشانگر میل و کشش آدمی به سمت بعد معنوی و پرورش روح است و ارمغان آن امنیت و آرامش، و حاکم شدن جنود شیطانی، نشان از حکومت جهل و گرایش آدمی به پست‌ترین بعد وجودی‌اش و قرار گرفتن در معرض تهدیدات و آسیبها دارد. اما باید دانست که پرورش و تغذیه روح و نهایتاً غلبه جنود رحمانی و عقلانی، تنها در پی تسلیم شدن قوای ظاهری و باطنی وجود به عقل و شرع ممکن می‌گردد. اساساً هر یک از قوای آدمی خواهان انجام وظیفه و نیل به مقصود است، که اگر تحت نیروی عقل و قانون الهی انجام وظیفه شود، انسان در مسیر مستقیم قرار خواهد گرفت. هدف انبیاء نیز از آوردن شریعت و کتب آسمانی، کنترل انسانی تحت میزان عقل و شرع بوده تا به کمال و قرب الهی نائل شود. امام خمینی (ره) در بیانی شیوا می‌فرماید:

«تمام قوای منتشره در این ممالک سبعة در تحت تصرف نفس است به مقام «وهم» زیرا

20 - روح ا... خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 35.

21 - نور، 35.

22 - روح ا... خمینی، شرح جهل حدیث، ص 5.

که وهم، سلطان قوای ظاهره و باطنه نفس است .. اگر وهم در تحت تصرف عقل و شرع، در آنها تصرف نماید و حرکات و سکونات آنها در تحت نظام عقل و شرع باشد، مملکت رحمانی و عقلانی شود و شیطان و جنودش از آن رخت بر بندند و دامن درکشند»²³

در نقطه مقابل اگر جسم و جان تسلیم شیطان و خواهشهای نفسانی گردد، به تدریج بعد معنوی و روحانی رنگ می‌بازد و کششهای مادی و حیوانی پرنگ می‌شود. با غلبه جنود جهل و شیطان، مملکت و قوای آن در تصرف این جنود در آمده و همه در راستای سقوط انسان حرکت خواهند کرد:

زدست غیر نالام که همچو حباب همیشه خانه خراب هوای خویشتم

اینجاست که انسان به مقام حیوانیت دست یافته و ارزشمندترین چیزی که برای او قابل حصول می‌شود نیز، مادی و جسمانی است؛

«آنان که در تنگنای طبیعت مانده‌اند، محروم از درک کمالات و عروج آسمانی به پیشگاه خدایند. در چنین حصاری سقف عروج انسان محدود است. چنین نفسی جز عالم طبیعت که پست‌ترین عوالم هستی است، درک دیگری ندارد»²⁴

چو گرمی کو میان به نهان است زمین و آسمان او همین است.²⁵

فارابی نیز در بحثی شبیه به مبحث امام خمینی از کسانی که قوه ناطقه و عاقله را در جدال بین عقل و حیوانیت، مغلوب ساخته‌اند با عنوان بهی‌میون یاد می‌کند و آنها را انسانهای پست و غیر مدنی می‌شمارد که در حوزه لذات زودگذر و شهوات و تفریحات غلطیده و از انسانیت، در نشئه اول آن که مربوط به قوه «بهی‌میه» است، توقف کرده‌اند. ابعاد حیوانی و بهیمی آنها به قدری رشد کرده که فروکش کردن و رام نمودنش دشوار و بلکه محال است. قران کریم در خصوص انسانهای به واقع امر حیوان، به پیامبر خویش می‌فرماید؛

«ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَتَمَتَّعُوا وَيُلْهَمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»:

واگذار ایشان را تا بخورند و بهره‌ور شوند و آرزو ایشان را به خودشان مشغول سازد نتیجه

23 - همان، ص 56.

24 - عبدالله جوادی آملی، پیشین، ج 15، ص 51.

25 - مولوی.

این کامرانی بیهوده را به زودی خواهند یافت.²⁶

مملکت وجود چنین انسانی، تحت حکومت شیطان و جنود جهل درآمده؛

«... پس اگر وهم حکومت نمود در آنها به تصرف خود یا شیطان، این قوا جنود شیطان

گردند و مملکت در تحت سلطنت شیطان واقع شود و لشکر رحمان و جنود عقل

مضمحل گردند و شکست خورده، رخت از نشئه ملک و دنیای انسان درکشند و

مملکت خاص به شیطان گردد.»²⁷

از بیان ارزشمند امام خمینی چنین برمی آید که حکومت جنود جهل و شیطان در مملکت وجود انسان،

نتیجه‌ای جز ناامنی و تشویش خاطر و نابودی نخواهد داشت، چرا که آنها همواره در پی تهدید و آسیب رسانی

بدین مملکتند. در حالیکه جنود عقل و رحمان با الهامات خاص عقلانی و وحیانی در پی نجات این مملکت و

حاکم نمودن امنیت در آن می‌باشند. پس در ارائه‌ی نتیجه این بحث باید گفت که به دنبال درگیری در عرصه

مملکت وجود، دو حالت ممکن است ایجاد شود که برای فهم بیشتر لازم است مورد بررسی قرار گیرند:

- حاکم شدن امنیت و آرامش خاطر در پی حاکمیت جنود عقل و رحمان؛

از آنجا که در حکومت عقل و رحمان تمام قوا تحت کنترل عقل و شرع به تکاپوی خود ادامه می‌دهند،

به مصداق این روایت از پیامبر اکرم(ص) که می‌فرماید:

«ایمان شناخت با دل است و گفتن با زبان و عمل با ارکان»²⁸

ایمان که سرچشمه امنیت است بر جسم و جان آدمی حاکم خواهد شد. ایمان، مصدر باب افعال از ماده

«امن» در لغت به معنی وثوق و تصدیق²⁹، اطمینان³⁰ و انقیاد و خضوع³¹ و در فارسی به معنی گرویدن³² است.

همچنین می‌توان آن را به معنای ایجاد اطمینان و آرامش در قلب خویش یا دیگری دانست. دستیابی انسان به

آرامش و اطمینان با اعتقاد به خدا و تصدیق او، احتمالاً سبب استفاده از «امن» برای مفهوم ایمان بوده است. اگر

26 - حجر، 3.

27 - روح ا... خمینی، شرح چهل حدیث، ص 6.

28 - محمد محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، حمید رضا شیخی، قم، دارالحدیث، 1383، ص 57.

29 - محمدبن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج 1، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1408ق، ص 223.

30 - مفردات، راغب اصفهانی، ص 90.

31 - لسان العرب، پیشین، ص 224.

32 - عبدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی الأرب فی لغة العرب، صفی پور، تهران، سنایی، ج 1، ص 40.

چه از دیدگاه اشاعره، معتزله و شیعه تعاریف متعدد و عناصر مختلفی برای ایمان در نظر گرفته شده ولی کسانی چون علامه طباطبایی، تصدیق صرف را در تعریف ایمان نپذیرفته و التزام عملی را دارای جایگاه می‌شمرند و در این راستا به آیاتی استناد می‌کنند که در آنها به پیوستگی ایمان و عمل صالح اشاره شده است³³. از آنجا که متکلمان شیعه، ایمان را با معرفت یکسان می‌دانند، از نظر آنان، عمل از آثار خارجی این علم و معرفت است و وجود، عدم یا ضعف ایمان هر کس با معیار مطابقت اعتقادات دینی او با عالم واقع سنجیده می‌شود. امام خمینی (ره) مراتب ایمان را در دو مرحله می‌گنجاند:

1— مقدمات عقلیه: حقایق را به قدم تفکر و ریاضت عقلی و آیات و بنیات و براهین عقلیه ادراک کند (مقدمه ایمان) = حظّ عقل

2— ریاضات قلبیه: سالک الی .. اشتغال به ریاضات قلبیه پیدا کند و این حقایق را با هر ریاضتی که شده به قلب برساند.

از منظر ایشان، علم به خدا تا در حد عقل است؛ نور است و پس از ریاضات قلبی است که خدای تعالی آنها در قلوب برخی می‌افکند و اینجاست که ایمان تثبیت می‌شود³⁴؛

العلم نورٌ یَقْدِفُهُ .. فی قلب من یشاءُ؛

علم نوری است که خدا در قلب هر که بخواهد می‌افکند.³⁵

ایمان ریشه در روح و جان آدمی دارد و از مرتبه عقل فراتر رفته و به قلب می‌رسد. آنچه که در عقل می‌گنجد به علم و ادراک می‌انجامد و آنچه که در قلب ریشه دارد، ایمان است. و لذا ایمان و علم از هم جدایند: «چه بسا باشد فیلسوفی به برهان‌های فلسفی، شعب توحید و مراتب آنرا مبرهن کند و خود مومن بالله نباشد زیرا که علمش از مرتبه عقل و کلیت و تعقل به مرتبه قلب و جزئیت و وجدان نرسیده باشد»³⁶

امام خمینی علم را حظّ عقل و ایمان را حظّ قلب می‌شمرند³⁷. «آنچه صفت اسلام است، اگر در قلب ثابت شد و به قلب رسید، آن ایمان است و لازمه ایمان عمل است و از احادیث بسیار ظاهر شود که عمل به

33 - علامه محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 15، ص 6.

34 - روح ... خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 89.

35 - موسوعه اطراف الحدیث النبوی الشریف، ج 5، ص 518.

36 - روح ... خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 87.

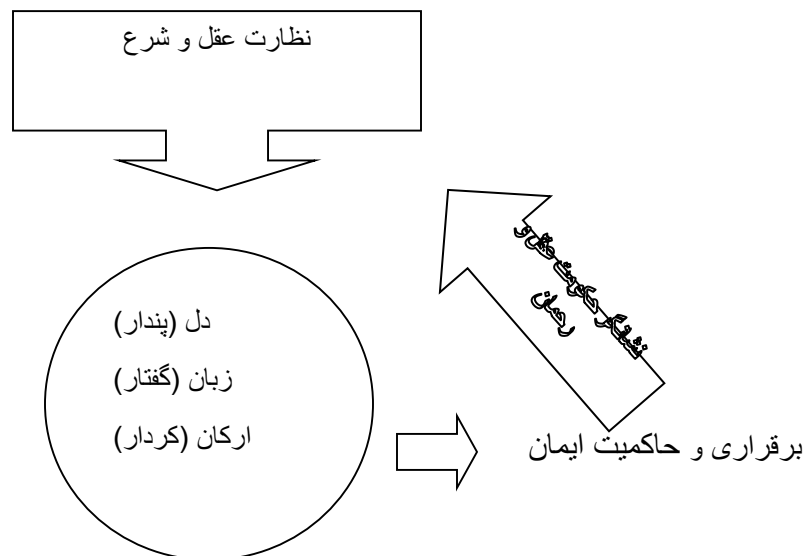
37 - همان.

ارکان از ایمان است³⁸:

«الایمانُ هُوَ الاقرارُ بِاللِّسانِ وَ عَقْدُ فِی القَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالْاَرْکانِ»

بنابراین ایمان در اصطلاح به معنای باور همراه با عمل، ریشه فطری و درونی دارد و در فرهنگ اسلام به مقدس‌ترین سرمایه انسانی اطلاق شده است و نه تنها موهبتی است که نجات و سعادت و تعالی بشری بدان بستگی دارد، بلکه به عنوان هدف و رسالت دین نیز معرفی گردیده است.

با این تفاسیر می‌توان رابطه‌ای دو سویه میان حکومت عقلانی - جهلانی و استقرار ایمان در وجود انسان برقرار ساخت؛ یعنی وقتی دل، زبان و ارکان تحت نظارت عقل و شرع عمل کند، ایمان بر مملکت وجود حاکم خواهد شد و از سوی دیگر برقراری ایمان، نشان از حاکمیت جنود عقلانی — رحمانی بر قوای وجود (پندار، گفتار و کردار) دارد.



مملکت وجود

با برقراری ایمان و حاکم شدن جنود عقل و رحمان، سراسر وجود (همه قوا) در یک راستا حرکت کرده و هدف واحدی را تعقیب می‌نمایند. اینجاست که اصل وحدت در عین کثرت قابل مشاهده است، چون وجود آدمی متشکل از قوای کثیری است که با حاکمیت جنود عقل و رحمان و برقراری ایمان، همه قوا به وحدت می‌رسند. پی آمد استقرار ایمان و حاکمیت جنود عقل و شرع، امنیت جسم و جان تضمین خواهد شد، زیرا

38 - همان، ص 96.

نفس انسان به نفس مطمئنه تبدیل می شود و جسم و روح به منبع لایزال و مقام امن الهی متصل می گردد و بازگشت هر نفس مطمئنه ای به سوی خدا با رضایتمندی و آرامش و اطمینان همراه است:

« يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * اِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً »³⁹

« چون ... انسان موفق شد که جنود ابلیس را از این مملکت خارج کند و مملکت را سکنای ملائکه .. و معبد عبادا.. الصالحین قرار داد، کار سلوک الی ... آسان می شود و راه مستقیم انسانیت، روشن و واضح می گردد و ابواب برکات و جنات به روی او مفتوح می گردد و ابواب جهنم و درکات آن، به روی او بسته می گردد و خدای تبارک و تعالی به نظر لطف و مرحمت به او نظر می کند و در مسلک اهل ایمان منخرط می شود و از اهل سعادت و اصحاب یمین می شود.»⁴⁰

همه حالات نامبرده در بیان امام به ارمغان آورنده سکون، طمأنینه و مصونیت از شرور شیاطین و دوری از ناآرامی و هراس و نهایتاً استقرار ایمان و امنیت خواهد بود که هر دوی اینها در اسلام به عنوان ارزش معرفی شده اند:

«چون مرتبه ایمان به حد طمأنینه و اطمینان رسید، تزلزل و اضطراب به کلی ساقط شود و دل سکونت به حق و تصرف حق پیدا کند.»⁴¹

سخن امیرالمؤمنان علی «ع» نیز در کلام 215 نهج البلاغه مؤید همین مطلب است:

« سپاس خدای را به پاس آنکه به مرگ و بیماری ام دچار نساخته است. هیچ یک از ریشه های هستی ام را به بدی و بدحالی گرفتار نکرده است... و در رابطه با ایمان خویش به ناآرامی و هراسم دچار نساخته است و با هیچ یک از انواع عذابهای امتهای گذشته عذابم نکرده است.»

در خطبه 198 نهج البلاغه نیز آمده که:

« به راستی که تقوای الهی درد قلبهائیان را دارو، کوری دلہائیان را بی نای، بیماری تنهائیان را درمان، سینه های فاسدتان را اصلاحگر، جانهای آلودهتان را پاکیزگی، تیرگی

39 - فجر، 27_28

40 - روح ... خمینی، شرح چهل حدیث، ص 26.

41 - روح ... خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 213.

چشماتان را روشنایی، ترس و دلهره‌های درونی‌تان را امنیت و سیاهی تاریک‌نای‌تان را روشنایی است.

تمامی اینها ارمغانهای دنیوی است در حالیکه مؤمنان واقعی از ناامنی آخرت نیز در امانند، طبق آیه شریفه «قد افلح المومنون⁴²» فلاح و رستگاری واقعی از آن مؤمنان است. ناامنی آخرت عبارت است از آتش که از منظر امام، عقل مؤمن و نور آن، می‌تواند آنرا اطفاء کند:

«و این که برای مؤمن، لهیب منطقی شود، برای آن است که مؤمن را از نورانیت عقل، نصیب است. و به مقدار نصیب و بهره‌اش از نورانیت عقل، غلبه بر لهیب آتش کند که در دنیا صورتش لهیب نار شهوت و غضب است.»⁴³

«إِنَّ النَّارَ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جُزْ يَا مُؤْمِنٌ فَقَدْ أَطْفَأَ نَوْرَكَ لَهْبِي»⁴⁴

« به درستی که آتش در روز رستاخیز به مومن می‌گوید: ای مومن از آتش بگذر، پس به تحقیق که نور تو، شعله و حرارت مرا خاموش کرد.»

مظهر مقام امن و آرامش خدای تبارک و تعالی (جلّ جلاله) است، هر چه تن متصف به اوصاف الهی شود از ایمنی و آرامش برخوردار خواهد بود و از آنجا که عقل نور حق است، می‌توان آنرا چراغ راه مسیر الی‌... و ابزار امان دنیا و اخروی دانست. اهمیت این ابزار تا جایی است که غلبه کامل آن در دنیا برای اولیای صاحب عقل کل باعث می‌شود در دار طبیعت نیز ایمان و آرامش حقیقی بر وجود آنها ساکن گردد. چرا که نور الهی به تمام معنا در وجودشان سیطره پیدا کرده است:

«و اما برای صاحبان عقل کل و حضرات اولیای کُمل - علیهم صلوات ... - وارد است «جز ناوهی خامده»⁴⁵ زیرا که دار طبیعت را که در نفوس کامله، به هیچ وجه، تصرفی نیست و از مهیب جهنم طبیعت به کلی مأموندند:

زیرا که آنها طبیعت را نیز الهی نمودند و شیطان آنها به دست آنها ایمان آورده است.⁴⁶»

42 - مومنون، 1.

43 - روح ... خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 46.

44 - عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ج 3، ص 354، ح 133.

45 - ملا محسن فیض کاشانی، علم‌البقین، ج 2، حسین اسنادولی، تهران، حکمت، 1379، ص 971، باب 9، مقصد 4 از فصل 2.

46 - اشاره به این حدیث نبوی: « ما منکم الا وله شیطان. قالوا: و أنت یا رسول الله؟ قال: و أنا إلا أن ... أعاننی علیه، فأسلم علی یدئی». روح ... خمینی،

شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 46.

- حاکمیت ناامنی و تشویش در پی حاکمیت جنود جهل و شیطان

در نقطه مقابل، جنود شیطانی با حاکم کردن رذایل و ملکه نمودن پستی‌ها، اعضاء و قوای مملکتی را در خلاف جهت فطرت آدمی که همان حرکت به سوی کمالات و مقام امن الهی است سوق می‌دهند و لذا آسیبها، شرور، ناامنی و تهدیدات را در این عرصه بر پا می‌دارند. به ثمره نشستن تمامی اینها باعث مرگ روح و معنا در کالبد انسان خواهد بود. امام خمینی از آن به خروج جنود رحمانی — عقلانی تعبیر می‌نمایند. در چنین حالتی ایمان آدمی که در واقع سمبل امنیت وجود است، نابود گشته و انسان در ورطه هلاکت و فلاکت به مقامی پایین‌تر از حیوان خواهد رسید که حتی نمی‌توان نام زنده (حی) بر او گذارد. به تعبیر آیت .. جوادی آملی، مردگان واقعی همان جدا شدگان از حیات حقیقی (تعالی روح) هستند:

« هر کس بر صفحه زمین راه برود و دارای زندگی نباتی و حیوانی باشد، لزوماً انسان به شمار نمی‌آید و از زندگی واقعی بهره ندارد. بلکه بسیاری از افراد در ساحت حیات انسانی مرده‌اند و هیچ یک از علائم حیات در آنان به چشم نمی‌آید. مگر دمی الهی و مسیحایی به مدد خیزد و آنان را زندگی و نشاط بخشد.»⁴⁷

قران کریم از چنین کسانی با عناوینی چون حیوان یا فرومایه‌تر از آن؛ «اولئک کالانعام بل هم اضل»⁴⁸ و یا سنگ و سختتر از آن؛ «فهی کالحجارة أو أشد قسوه»⁴⁹ یاد می‌کند. جنود جهل از انسان موجودی بخیل، حریص، مجادله‌گر، عجول، کفور، قنوط، ظلوم، کفار، یؤوس، قنوط، هلوع، جزوع، منوع، کنود، ضعیف، عنود، لجوج، زیانکار، ناسپاس می‌سازد و او را به اسفل السافلین می‌کشاند⁵⁰. آنکه وجودش به تصرف شیطان درآمده و از جنود عقل و شرع خالی شده به مصداق این آیه شریفه به ناامنی و تشویش اخروی گرفتار است:

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»⁵¹

«و محققاً بسیاری از جن و انس را برای جهنم واگذاریم. چه آنکه آنها را دل‌هایی است بی‌ادراک و معرفت و دیده‌های بی‌نور بصیرت و گوش‌هایی ناشنوی حقیقت. آنها مانند

47 - عبدالله جوادی آملی، پیشین، ج 15، ص 58.

48 - اعراف، 179.

49 - بقره، 74.

50 - برگرفته از آیات قران کریم: اسراء/11، 100 - معارج/19-20-21 - ابراهیم/34 - هود/9 - کهف/54 - فصلت/49 - احزاب/73 - عادیات/6 -

نساء/8- و...

51 - اعراف، 179.

چهارپایانند بلکه بسی گمراهترند. زیرا قوه ادراک مصلحت و مفسده داشتند و باز عمل نکردند. آنها همان مردمی هستند که غافل شدند.»

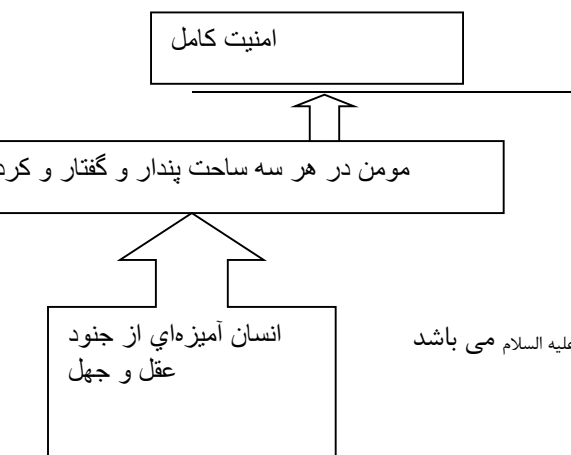
و آنکه چنین سرنوشت اسفباری در آخرت در انتظارش باشد، مسلماً در دنیا نیز تجربه سخت خسارت را چشیده یا خواهد چشید؛ چرا که نهایت شقاوت و ناامنی در مملکت وجود نیز، دور شدن از ساحت قدس کبریایی و مقام امن الهی است که بالاترین خسران‌هاست؛ «وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ». به فرموده امام خسرانی بالاتر از این نیست که

«انسان سرمایه سعادت ابدی را خرج در راه شقاوت ابدی کند و آنچه را که حق تعالی به او داده (یعنی قوای جسمی و روحی) که او را به اوج کمال رساند، همان او را به حضيض نقص کشاند»⁵².

در این صورت است که انسان خیانت در امانت الهی می‌کند و جسم و جان را در اختیار شیطان قرار می‌دهد. امام خمینی (ره) در بیانی می‌فرماید:

« بار الها، ما به امانت تو خیانت کردیم و فطرت .. را به تصرف شیطان پلید دادیم و از فطرت الهیه محجوب شدیم و ترسم که کم‌کم با این سیر طبیعی و سلوک شیطانی از فطرت الهی یکسره بیرون آییم و خانه یکجا به تصرف شیطان و جنود آن و جهل و جنود آن دهیم.»⁵³

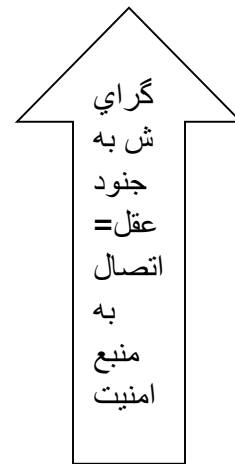
با این تفاسیر باید گفت حاکمیت فطرت .. که مساوی با حاکمیت جنود عقل و شرع است، در مملکت وجود مظهر امنیت است و حاکمیت شیطان و جهل، مظهر ناامنی و شقاوت. اما نکته کلیدی اینکه، دنیا دار تغییر و تبدیل است و امنیت و ایمان مفاهیمی متغیر و وابسته‌اند و لذا مملکت وجود آدمی می‌تواند از اوج ناامنی به اوج ایمان و آرامش برسد و یا بالعکس. انسان با تبدیل جهل به عقل می‌تواند مظهریت ابلیسیه را در مملکت وجود به مظهریت آدمیه تبدیل کند.⁵⁴ مظهر امنیت تمام و ایمان کامل (عقل کل) در مملکت وجود، نبی است و مظهر ناامنی تمام (جهل کل) ابلیس است. انسانها در بین این دو نقطه در نوسانند. هر چه گرایش آنها به عقل که نور الهی در آن متجلی است بیشتر شود به ایمان و امنیت نزدیکترند و هر چه جهل در آنها ریشه دواند، به ناامنی و هلاکت نزدیکتر می‌شوند. نمودار زیر نشان دهنده این مسأله است:



52 - روح ... خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 85.

53 - همان، ص 86.

54 - برگرفته از بیان امام خمینی در شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 51.



انسان در این مسیر، نیازمند شناخت است، شناختی همه جانبه از پروردگار خویش گرفته تا وجود پرظرافت و پر رمز و راز خویش و جنود حاکم بر وجودش تا بر پایه آن، وجودش را به حق تعالی متصل کند و هدایت یابد.

ب) ارتباط نظریه امام با موضوع رساله؛

حال که به تفصیل به شرح نظریه عقل و جهل امام پرداختیم، بایستی ارتباط میان این نظریه و بحث امنیت و فرهنگ در جوامع بشری را نیز روشن سازیم.

در خصوص ممالک و جوامع بشری نیز از گذشته‌های دور تاکنون نظریات و آراء مختلفی در میان مکاتب بشری و اندیشمندان دیده شده است. نگرش متفاوت آنها به انسان، نیازها، محیط و بسترهایش باعث شده نظرات مختلفی نیز پیرامون جوامع بشری ارائه دهند. مهمترین این مکاتب در دوران معاصر مارکسیسم و لیبرالیسم بوده که هر کدام به تفصیل در خصوص انسان و جوامع بشری اظهار نظر کرده‌اند.

مارکسیسم صفات عالی انسانی را در جامعه‌ای که دور از مالکیت خصوصی، طبقه و دولت است، قابل بروز می‌داند لذا سوسیالیسم را مطرح می‌نماید که مقدمه و پیش‌نیاز حکومت کمونیستی است. شعار سوسیالیسم

«از هر کس به اندازه توانایی اش و به هر کس به اندازه نیازش»⁵⁵ می باشد. نگاه مارکس به جامعه و انسان، مادی و اقتصادی است و بر مبنای اقتصاد، کار و تولید بنا شده، لذا با نفی مذهب و معنویات، انسان را تنها موجودی مادی می داند که تجلی معنوی و روحانی ندارد. پس هدف خلقت و کمال مطلق در سوسیالیسم با تاکید بر جامعه و خلق، برابری و زندگی اشتراکی حاصل می شود. جامعه سوسیالیستی زمانی احساس ایمنی و آسایش خواهد کرد که عدالت اقتصادی برقرار شده و حکومت کمونیستی حاکم گردد. اما شالوده مکتب لیبرالیسم مبتنی بر فردگرایی⁵⁶ است و بر آزادی فردی تکیه دارد. یعنی انسان فارغ از هر نوع حاکمیت جبری صاحب اختیار خویش است. «از ویژگی های لیبرالیسم می توان به فارغ بودن انسانی از حاکمیت وحی و شریعت الهی اشاره داشت»

57.

این مکتب با نگاه مادی خود به انسان و جامعه، نظریه ای ناقص از امنیت بشری ارائه داده است. محور اصلی امنیت ساز در هر بعد اجتماع را آزادی می داند و بر فرد تکیه دارد. چنانچه در اقتصاد، سرمایه داری را ارائه می دهد و در سیاست، دموکراسی را پیش روی جامعه می گذارد.

نگاهی کلی به این مکاتب ما را به این نتیجه می رساند که همه آنها جوامع بشری را متشکل از قوای مختلف می دانند، اما هر کدام بر یک قوه و نیرو در بطن جامعه، تاکید دارند و آنرا زیر بنای جامعه و یا به تعبیر ما قوه باطنی آن برمی شمارند. یعنی همگی بر وجود ظاهر و باطن در جوامع اذعان دارند. مثلاً مارکسیسم اقتصاد و عدالت را زیربنای جامعه بشری می داند و سایر قوا را متأثر از آن برمی شمارد، لذا امنیت جامعه را با قراری عدالت اقتصادی عین می داند. و یا لیبرالیسم بر آزادی به عنوان زیر بنا تاکید می کند و زندگی متعالی برای بشر را در پی تحقق این عنصر می داند.

در این میان ما معتقدیم اسلام تنها مکتبی است که در این زمینه نیز همچون سایر مسائل و مباحث نظرات جامع و ارزشمندی را داراست، چرا که مکاتب بشری بر پایه عقل انسان پی ریزی شده و احاطه کامل بر تمام ابعاد و زوایا ندارد و لذا در ارائه تعریف از مفاهیم انتزاعی و ذهنی تحت تاثیر شرایط خاص مکان و زمان و جهان بینی ها قرار می گیرد و به یک معنا نائل می شود، در حالیکه اسلام شریعتی الهی است و نکات و دستورات ارزشمندش از ناحیه پروردگار متعال که خالق هستی و محیط بر کل عالم است، ارائه شده است.

55 - ولی .ا. موسوی، *سیمای انسان آرمانی*، جهاد دانشگاهی گیلان، 1373، ص 67.

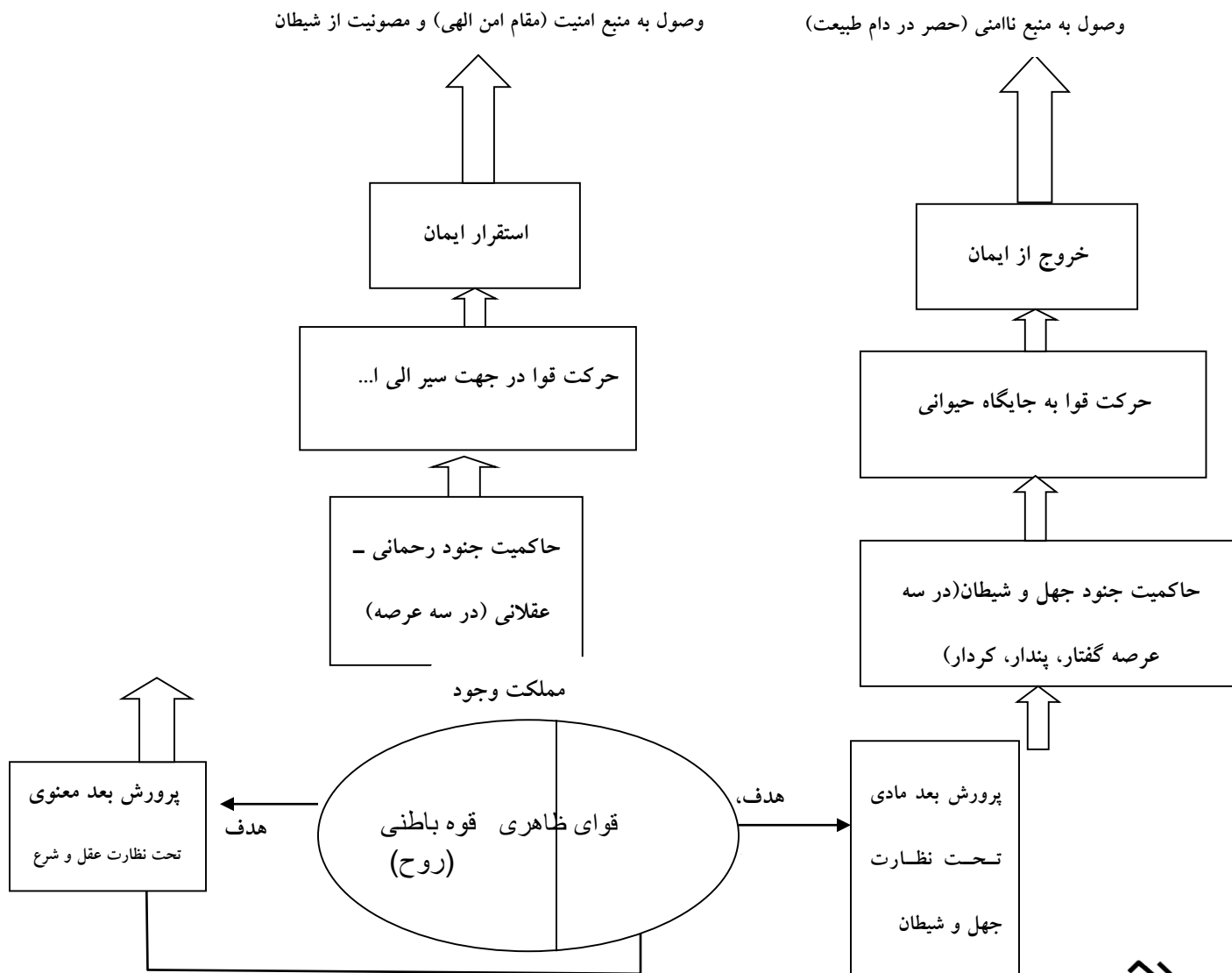
56 - INDIVIDUALISM.

57 - آیت قنبری، *تقدی بر اومانیزم و لیبرالیسم*، قم، فراز اندیشه؛ 1383، ص 90.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

اسلام نیز برای جامعه قائل به وجود ابعاد و قوای مختلف است و هماهنگی لازم میان آنها را برای پیشبرد اهداف لازم و ضروری می داند، اما در ارائه نظریات خود به ویژه مسائل امنیتی به مسائل هنجاری، فرا مادی و ارزشی نیز عنایت دارد، در حالیکه مکاتب بشری غالباً یا بر مسائل مادی تکیه دارند یا تنها بر عناصر هنجاری در عرصه امنیتی تاکید می کنند. اسلام توانسته با تلفیقی از عناصر هنجاری و غیر هنجاری (مادی و معنوی) طرح های پایدار و موفق را بر جامعه عرضه کند.

اکنون پس از ارائه این توضیحات مقدماتی لازم است ارتباط چارچوب نظری ارائه شده را با موضوع مورد نظر رساله بررسی کنیم. در یک نمای کلی می توان نظریه امام خمینی در خصوص مملکت وجود آدمی را به صورت زیر نشان داد:



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

وسیله

با توجه به نموداری که از نظریه امام ارائه شد، می توان مملکت بشری را نیز همچون مملکت وجود آدمی، ترکیبی از ظاهر و باطن دانست. ظاهر این مملکت از عناصر و قوایی چون اقتصاد، سیاست، فناوری، قانون، تسلیحات و... تشکیل شده تا چرخ عظیم جامعه به حرکت درآید، اما در باطن جامعه نیز همواره نیروی پنهانی وجود دارد که حاکم بر قوای ظاهری است. این نیرو، قوه محرکه جامعه در پیشروی و نیل به مقصد است و لذا اگر از غنا و استحکام برخوردار باشد و پرورش یابد، سایر قوا را در حرکتی مداوم و رو به جلو تحت پوشش خود قرار می دهد و نظام جامعه را از ناامنی ها مصون می کند. این قوه باطنه چیزی نیست جز فرهنگ که همچون روح در وجود بشر، دارای اصالت و اهمیت است. پرورش و تغذیه فرهنگ نیز همچون مملکت وجود تحت نظارت عناصری باید باشد که غنا و استحکام لازم را در آن ایجاد کند تا عملکرد سایر قوا نیز متاثر از فرهنگ غنی و مستحکم جامعه گردد. از آنجا که نظام جمهوری اسلامی بر پایه دین استوار شده و ایدئولوژی در آن نقش به سزایی دارد، فرهنگ در این جامعه عنصری کلیدی است و می توان آنرا زیربنای جامعه برشمرد. در استحکام و تغذیه این عنصر کلیدی، دین نقش به سزایی در نظام اسلامی ایران دارد. در فصل سوم به این رابطه و چگونگی نقش دین در فرهنگسازی نظام جمهوری اسلامی ایران به تفصیل پرداخته خواهد شد.

مفاهیم

در این رساله چند مفهوم به عنوان واژه های کلیدی مطرحند که عبارتند از: امنیت، فرهنگ، تهدید، امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی. از آنجا که در فصول آینده به تفصیل در مورد آنها مطالبی ارائه خواهد شد، لذا در این فصل بدانها پرداخته نشده است.

جمع بندی

در راستای رسیدن به یک چارچوب نظری برای این رساله، در آغاز بدین مسأله پرداختیم که از منظر اسلام انسان موجودی دوساحتی و مرکب از روح و جسم است. امام خمینی «ره» با توجه به این آموزه و حقیقت وجودی بشر به شرح حدیثی از امام صادق «ع» در باب جهاد اکبر پرداخته و در آن اصالت و جاودانگی را در این انسان دو بعدی از آن روح دانسته است که جسم بایستی در راستای پرورش آن بکار گرفته شود. اما در این مسیر دو گروه بر وجود انسان حکمفرمایی می‌کنند؛ گروه عقل و رحمان و گروه جهل و شیطان. هر یک از این دو گروه متشکل از هفتاد و پنج عنصر و نیرو هستند و با الهامات خود باعث کشش انسان به سمت خود می‌شوند. توجه و گرایش انسان به هر کدام موجب حکومت آن دسته بر وجودش خواهد شد و قوای جسمی در راستای فرامین آن به کار گرفته خواهد شد. نتیجه حاکمیت گروه عقلانی — رحمانی و حرکت قوا در جهت الهامات آنها موجب استقرار ایمان و وصول به منبع لایزال امنیت در دنیا و آخرت خواهد بود. اما نتیجه حاکمیت جنود جهلانی — شیطانی بر قوای مملکت باعث دور شدن آدمی از منبع و مقام امن الهی و قرار گرفتن در دام منبع شرور و ناامنی (شیطان) خواهد بود.

اما آنچه که از مجموع این مباحث به عنوان چارچوب نظری بدست آمد این بود که میان مملکت وجود و مملکت بشری تشابه بر قرار است. جامعه بشری نیز از دو بعد مادی و معنوی برخوردار است که بعد معنوی آن که در مملکت اسلامی ما به عنوان زیربنا بایستی عمل کند عبارت است از فرهنگ. این عنصر کلیدی همچون بعد معنوی انسان نیازمند پرورش است تا به تعالی و جاودانگی برسد و سایر قوا را در این راه حرکت بخشد. لذا از هدایت و راهبری بی‌نیاز نیست و هدایت آن در نظام دینی ما بر عهده عقل و شرع (دین) می‌باشد. اگر چنین امری تحقق یابد و فرهنگ جامعه بر اساس نظام الهی غنی و مستحکم گردد، هم خود از آسیبها مصون می‌ماند و هم سایر قوا را تحت پوشش قرار می‌دهد.